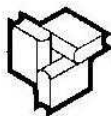


فلسفہ ی نظریہ ی ادبی مدرن

پیتر وی. زیما

ترجمہ ی

دکتر رحمان ویسی حصار، دکتر عبدالله امینی



رخداد نو

سروش‌نامه:	زیمایا، پی. وی. ۱۹۴۶ م. Zima, P.V.
عنوان و نام پدیدآور:	فلسفه‌ی نظریه‌ی ادبی مدرن / پیتر وی. زیمایا / ترجمه / رحمان ویسی
مشخصات نشر:	تهران: رخداد نو، ۱۳۹۰
مشخصات ظاهری:	۲۴۵ ص.
شابک:	۹۷۸ - ۶۰۰ - ۶۴۵۷ - ۰۹ - ۳
وضعیت فهرست‌نویسی:	فهیپا
یادداشت:	عنوان اصلی:
	<i>The Philosophy of Modern Literary Theory</i> , 1999
موضوع:	نقد - تاریخ - قرن ۲۰ م
شناسه افزودن:	ویسی حصار، رحمان، مترجم
شناسه افزودن:	امینی، عبدالله، مترجم
رده‌بندی کنگره:	۱۳۹۰ ف ۸ ۹ / ۹۴ PN
رده‌بندی دیوین:	۸۰۱ / ۹۵۰۹۰۴
شماره‌ی کتابشناسی ملی:	۲۶۹۲۴۶۳

تهران، خیابان انقلاب، روبه‌روی دانشگاه تهران، مجتمع فروزنده، واحد ۵۱۲،

کد پستی ۱۳۱۴۷۴۴۳۹، تلفن: ۶۶۴۹۸۲۹۳، نمابر: ۶۶۴۹۸۲۹۴

• ناشر رخداد نو •

Peter V.Zima

پیتر وی. زیمایا

فلسفه‌ی نظریه‌ی ادبی مدرن

The Philosophy of Modern Literary Theory

ترجمه‌ی دکتر رحمان ویسی، دکتر عبدالله امینی

• چاپ اول ۱۳۹۴ تهران • شمارگان ۵۰۰ نسخه • قیمت ۱۹۰۰۰ تومان

• لیتوگرافی خدمات فرهنگی صبا • چاپ تصویر • مصاحفی نبوت

• طرح روی جلد حسن کریمزاده •

ISBN 978-600-6457-09-3

شابک ۹۷۸-۶۰۰-۶۴۵۷-۰۹-۳

Printed in Iran

همه‌ی حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

فهرست

۷	پیشگفتار.....
۱۳	تشکر و قدردانی.....
۱۵	فصل اول: بنیادهای فلسفی و زیباشناختی نظریه‌های ادبی.....
۱۸	۱. کانت، هگل و نظریه‌ی ادبی.....
۲۶	۲. از رمانتیسم و هگل جوان‌گرایی تا نیچه.....
۳۷	فصل دوم: نقد نو انگلو-آمریکایی و فرمالیسم روسی.....
۴۰	۱. کانت و کروچه در نقد نو.....
۴۸	۲. فرمالیسم روسی مابین کانت‌گرایی و آوانگارد.....
۵۷	۳. گفتگوی ناتمام میان مارکسیست‌ها و فرمالیست‌ها.....
۶۳	فصل سوم: ساختارگرایی چک مابین کانت، هگل و آوانگارد.....
۶۶	۱. کانت‌گرایی رومن یاکوبسن و جان موکارففسکی.....
۷۳	۲. هگل و آوانگارد در نظریه‌ی موکارففسکی: ساختار، نقش، هنجار و ارزش.....
۸۲	۳. نماد و ابژه‌ی زیباشناختی: از موکارففسکی تا ودیکا.....
۸۹	فصل چهارم: مسائل نقد واکنش خواننده: از هرمنوتیک تا پدیدارشناسی.....
۹۲	۱. از گادامر تا یاس: هرمنوتیک واکنش خواننده.....
۱۰۳	۲. از اینگاردن تا آیزر: منظر پدیدارشناختی.....
۱۱۶	۳. بدیل استنلی فیش.....
۱۲۳	فصل پنجم: از مارکسیسم تا نظریه‌ی انتقادی و پست‌مدرنیسم.....
۱۲۶	۱. مارکس، لوکاچ و گلدمن: زیباشناسی هگلی.....
۱۴۰	۲. بنیامین و آدورنو مابین کانت و هگل: آوانگارد، ابهام و حقیقت.....

۳. زیباشناسی هگلی جوان: میخائیل م. باختین.....	۱۵۴
۴. زیباشناسی مارکسیستی در جهان پست‌مدرن: الکس کالینیکوس، تری ایگلتن، فردریک جیمسون.....	۱۶۰
فصل ششم: زیباشناسی نشانه‌شناسی: گرماس، اکو، بارت.....	۱۶۵
۱. گرماس یا جستجوی معنا.....	۱۶۷
۲. امبرتو اکو: از آوانگارد تا پست‌مدرنیسم.....	۱۸۱
۳. زیباشناسی نیچه‌ای رولان بارت.....	۱۹۱
فصل هفتم: زیباشناسی نیچه‌ای و واسازی.....	۲۰۳
۱. ریشه‌های فلسفی واسازی: از افلاطون‌گرایی و هگل‌گرایی تا نیچه و هایدگر.....	۲۰۵
۲. میراث رمانتیک و نیچه‌ای دریدا: نوشتار، تکرارپذیری، تفاوت.....	۲۱۳
۳. [نظر] دریدا درباره‌ی مالارمه و جان پیر ریچارد.....	۲۲۱
۴. پل دومان: تمثیل و ناسازه.....	۲۲۵
۵. ج. هلیس میلر: ناسازه، تکرار، تکرارپذیری.....	۲۳۲
۶. جفری. ه. هارتمان: منفیت، تعویق، عدم‌تعیین.....	۲۳۸
فصل هشتم: زیباشناسی پست‌مدرن لیوتار و انگاره‌ی امر والای کانت.....	۲۴۵
۱. از کانت تا لیوتار: زیباشناسی پست‌مدرن ناهماهنگی.....	۲۴۷
۲. لیوتار و دومان: امر و/لا، تمثیل و ناسازه.....	۲۵۵
۳. از لیوتار تا واتیمو: دو [هوادار] پست‌مدرنیسم.....	۲۶۰
فصل نهم: به سوی نظریه‌ای انتقادی درباره‌ی ادبیات.....	۲۶۵
۱. نظریه‌ی ادبی مابین کانت، هگل و نیچه.....	۲۶۸
۲. به سوی نقدی از اینتولوژی: اینتولوژی به مثابه‌ی لهجی اجتماعی و گفتمان.....	۲۷۷
۳. به سوی نظریه‌ای انتقادی درباره‌ی ادبیات.....	۲۸۷
یادداشت‌ها.....	۲۹۷
نمایه.....	۳۱۹

پیشگفتار

بحث اصلی و زیربنایی این کتاب که معرفی کوتاه مسائل، نظریه‌ها و مفاهیم نقد ادبی معاصر است، را می‌توان در چند واژه خلاصه کرد:

نظریه‌های ادبی مدرن را تنها هنگامی می‌توان به‌درستی فهمید که در زمینه‌ی فلسفی و زیباشناختی‌ای در نظر گرفته شوند که از آن برآمده و رشد کرده‌اند. تا زمانی که آن‌ها از این زمینه منفک شوند و صرفاً با اصطلاحات ادبی به‌عنوان رویکردهایی همزیست و رقیب لحاظ شوند، شاخصه‌ی فردی و اهداف بنیادی‌شان در ابهام باقی خواهد ماند.

نظریه‌های ادبی مملو از مدهای باب روز و متمایل به تلاش‌های ایدئولوژیکی از هر نوعی هستند و مانند محصولات فرهنگ تجاری‌شده‌ای به‌نظر می‌رسند که در آن بت‌های بازار^۱ (تعبیر فرانسیس بیکن^۲) سلسله‌ی به‌هم‌پیوسته‌ی افکارمان را هدایت می‌کنند. جامعه‌شناسی و نشانه‌شناسی، دو رشته‌ای که در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ از تحسین بی‌وقفه‌ی بسیاری از روشنفکران برخوردار بودند، مدت مدیدی است که توسط نیروهای بازار و تحولات سیاسی مجبور به تسلیم موقعیت ممتاز خود به واسازی، فمینیسم و پست‌مدرنیسم شده‌اند.

البته هیچ‌کس نباید به علت تغییر در مُد و عمومیت یافتن برخی نظریه‌ها، بدین عقیده برسد که برای مثال واسازی از ساختارگرایی بهتر است به این جهت که در زمان حاضر مرکز بازار را اشغال کرده است. به همین اندازه اشتباه خواهد

1. idols of the marketplace

2. Francis Bacon

بود که با کینه‌توزی واکنش نشان داده و بینداریم که واسازی باید باطل باشد، زیرا برحسب شانس باب روز شده است. علی‌رغم مرگ مدهای دهه‌ی ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ جامعه‌شناسی و نشانه‌شناسی به حیات خود ادامه می‌دهند، بدون از دست دادن شاخصه‌ی خود به‌مثابه‌ی نظام‌های نظری پیچیده‌ای که هیچ عالم اجتماعی معاصری درصدد انکار آن‌ها برنمی‌آید. واسازی نیز به همین شیوه باید بر اساس شایستگی‌های نظری خود در نظر گرفته شود: به‌عنوان شیوه‌ای از تفکر که به‌صورت موفقیت‌آمیزی توانست بسیاری از جزم‌اندیشی‌های نهادینه‌شده در زبان‌شناسی و نشانه‌شناسی ساختارگرا را به چالش بطلبد.

یکی از اهداف بنیادی این کتاب نشان دادن این مسأله است که دیالکتیک جزم‌اندیشی و به چالش طلبیدن را در پشت پرده‌ی جدل‌های فلسفی و زیباشناختی گذشته بهتر می‌توان درک کرد. چالش واسازی نه انقلابی و نه غیرقابل درک است، اگر به‌عنوان واکنشی نیچه‌ای در مقابل خردگرایان متعدد با اصول هگلی‌ای قلمداد شود که نشانه‌شناسان و مارکسیست‌ها هرگز در آن تردید نکردند. پس این ایده‌ی نشانه‌شناس خردگرا آلفیراد جی گرماس^۱ و مارکسیست هگلی لوسین گلدمن^۲ که متن ادبی یک کلیت معنادار است، معقولیت خود را از دست می‌دهد، به‌محض این‌که ما متوجه شویم همه‌ی آن متونی که به‌وسیله‌ی این دو تفسیر می‌شوند می‌تواند به‌گونه‌ی متفاوتی نیز تفسیر شود و تفاسیر گوناگون آن با گذشت زمان متعدد شود. البته این امر بدین معنا نیست که نشانه‌شناسی ساختارگرا (گرماس) و جامعه‌شناسی مارکسیستی ادبیات (گلدمن) "منسوخ و ازمدافتاده" باشند و تکثر معنایی که به‌وسیله‌ی نقد واکنش خواننده و واسازی کشف شد بدل به حجرالفلاسفه شده باشد. زیرا حتی پس‌اساختارگرایان و هواداران واسازی مایل به توافق میان خود هستند، مبنی بر این‌که بعضی از تفاسیر موجه‌تر از دیگر تفاسیر است، همان‌گونه که امبرتو اکو می‌گوید:

1. Algirdas J. Greimas

2. Lucien Goldman

"محدودیت‌ها" بی در مورد فرآیند تفسیر وجود دارد. البته گرماس این نکته را اضافه خواهد کرد که این محدودیت‌ها را نمی‌توان بدون مراجعه به ساختارهای آوایی، معنایی و نحوی متن تشخیص داد.

متعاقباً نشان خواهیم داد که بحث‌و جدل‌های مذکور در همهی جنبه‌ها بدیع نیستند، بلکه گذشته‌ی فلسفی و زیباشناختی طولانی‌ای دارند. نیچه قبل از هواداران و اسازی این ایده‌ی افلاطونی و هگلی را به چالش کشید که یک متن حقیقت را به شیوه‌ای تک‌صدایی بیان می‌کند و این که متن کلیتی معنادار است. در کل به نظر می‌رسد که پس‌زمینه‌ی کانتی، هگلی و نیچه‌ای مفاهیم ادبی مثل استقلال و خودآیینی^۱ / هنر^۲، خودبیانگری^۳، جهان‌بینی، ساختار اثر^۴ یا دال^۵ در معنای بارشی آن برای فهم نقد ادبی در شکل معاصر آن ضروری است.

در فصل آخر یک نظریه‌ی گفتگویی طرح‌ریزی می‌شود که در تلاش است تا بین این ایده‌ی کانتی که هنر و زیبایی را نمی‌توان با ابزارهای مفهومی تعریف کرد و این ایده‌ی هگلی (مارکسیستی) که آثار هنری قابلیت تحلیل مفهومی دارند، ارتباط و واسطه‌ای برقرار کند. از سویی با پافشاری بر خصوصیت پایان‌ناپذیر تفسیر و فرآیند دریافت، نشان داده خواهد شد که متون ادبی به گفته‌ی کانت و کانت‌گرایان "بدون مفهوم" است و از طرف دیگر روشن خواهد شد که تفسیر و دریافت قراردادی نیستند، بلکه دائماً توسط ساختارهای آواشناختی، معنایی و روایتی‌ای هدایت می‌شوند که وجودشان غیرقابل انکار است.

به هر حال، سرشت این‌گونه مسائل را نمی‌توان به‌صورتی شهودی فراچنگ آورد، و هم‌چنین نمی‌توان به‌صورت تک‌گویانه آن‌ها را در یکی از انواع گفتمان‌ها (مارکسیستی، روان‌کاوانه، پدیدارشناسانه) تعریف کرد. با تحلیل‌های نقادانه‌ای

1. autonomy

2. autoreflexivity

3. work structure

4. signifier

که ملهم از کارل مانهایم^۱، موریس هالبواش^۲ و پاول لورنزن^۳ است، استدلال می‌کنیم که تنها گفتگویی بین نظریه‌های ناهمگون (مثل خردگرایی انتقادی و نظریه‌ی انتقادی) می‌تواند آن اصل جزمی را پشت سر بگذارد که هر نظریه‌ای به‌صورتی لاجرم بر آن تکیه کرده است. ناهمگونی ایدئولوژیکی نظریه‌ها ما را قادر می‌سازد که جزم‌اندیشی گروه‌های علمی را کنار زده و از عناصر و ساختارهای متنی فراتر از الگوهای ایدئولوژیکی رسمی و جمعی آگاه شویم. طبیعتاً این آگاهی ربطی به بینش افلاطون از ذوات^۴ ندارد، بلکه در بهترین حالت لحظه‌ای از حقیقت است که می‌تواند در بحث‌های متعاقب، چیزی دیگر جایگزین‌اش شود.

رویکرد گفتگویی به نظریه‌ی ادبی نمی‌تواند وانمود کند که آخرین حرف را زده و یا اصل غایی^۵ نقد ادبی است. زیرا تلاش برای افشای بنیادهای فلسفی و زیباشناسی نظریه‌های ادبی ساختی را در پیش می‌نهد که رویکردهایی را که نمی‌توان در چارچوبی فلسفی تحلیل کرد به کناری می‌نهد. مطالعات فرهنگی، مطالعات ادبیات پسااستعماری، جامعه‌شناسی تجربی فرهنگ، هنر و ادبیات (پیر بوردیو^۶)، رویکرد تاریخی میشل فوکو^۷، تاریخ‌گرایی جدید و نقد فمینیستی در جنبه‌های زیادی با هم تفاوت دارند. اما همه‌ی آن‌ها در یک چیز با هم مشترک‌اند: آن‌ها را نمی‌توان نظریه‌های زیباشناختی دانست و از الگوهای کانتی، هگلی یا نیچه‌ای استخراج کرد، زیرا دامنه‌ی آن‌ها از فلسفه فراتر رفته و با حوزه‌ی اجتماع، سیاست و فرهنگ گسترش یافته است.

-
1. Karl Manheim
 2. Maurice Halbwach
 3. Paul Lorenzen
 4. essences
 5. ultima ratio
 6. Pierre Bourdieu
 7. Michel Foucault

تا آن جایی که آن‌ها تلاش‌هایی هستند برای تبیین مفاهیم و مدل‌های زیباشناختی متفاوت درون یک نظم خاص فرهنگی، تاریخی یا سیاسی می‌توان گفت که همه‌ی این رویکردها برای بازسازی فلسفی و زیباشناختی نظریه‌ی ادبی بیگانه هستند. برای مثال، مطالعات فرهنگی تمایل به پرسیدن این سؤال را دارد که چرا و چگونه ایده‌آل‌های زیباشناختی (مثل استقلال هنر) به زمینه‌های فرهنگی خاصی وابسته است که در طول تاریخ تغییر می‌کند. به همین سان، جامعه‌شناسی فرهنگ پیر بردیو تلاش نظام‌مندی است برای توضیح الگوهای فرهنگی، همراه با هنجارها و ارزش‌های زیباشناختی که نتیجه‌ی ساختارهای قدرت (نهادینه‌شده)ی است که به لحاظ اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به رسمیت شناخته شده‌اند. لذا کاملاً نادرست خواهد بود که سعی کنیم جامعه‌شناسی بردیو را به عنوان یک نوع زیباشناسی در معنای کانتی، هگلی یا نیچه‌ای بنمایانیم - به رغم این واقعیت که تفاسیر ادبی او (مثل اثر فلوبر) مانند تفاسیر اکثر مارکسیست‌ها تقریباً منحصر به محتوای اجتماعی و تاریخی است.

هرچند فلسفه‌ی فوکو را می‌توان فلسفه‌ای نیچه‌ای قلمداد کرد تا آن جا که او دانش و حقیقت را نه به عنوان کلی‌هایی ابدی (در معنای افلاطونی)، بلکه به عنوان پیامد منظومه‌های متغیر تاریخی خاصی برمی‌شمرد، اما اندیشه‌های او را نمی‌توان زیباشناسی نیچه‌ای دانست؛ زیرا فوکو رویکرد زیباشناختی را در سطوح تاریخی-اجتماعی محصور می‌کند، درحالی که زیباشناسی را نمی‌توان بدین سطوح تقلیل داد. تاریخ‌گرایی جدید نیز که تحت‌تأثیر رویکرد تاریخی فوکو سر برآورد مشمول این بحث می‌شود. تاریخ‌گرایی جدید نه تنها رابطه‌ی بین تاریخ و ادبیات را بررسی می‌کند، بلکه هنجارها و ارزش‌های زیباشناختی را ماحصل عوامل اجتماعی و ساختارهای قدرت می‌داند. لذا زمینه‌ی تاریخی و اجتماعی مطرح در آن فراتر از چارچوب این کتاب است.

اگرچه فمینیسم آن قدر متنوع است که نمی‌توان آن را با یکی از موضع‌هایش بازشناخت، اما آشکارا نمی‌توان با آن در زمینه‌ی بحث فلسفی این کتاب تعامل کرد، زیرا بعضی از رویکردهای فمینیستی را می‌توان تلاش برای طرح نقدی اجتماعی یا

ادبی فراتر از فلسفه دانست. به‌عنوان مثال، نانسی فراسر^۱ و لیندا نیکلسون^۲ در مقاله‌ای تحت عنوان "نقد اجتماعی بدون فلسفه: برخوردی میان فمینیسم و پست‌مدرنیسم"^۳ (فرهنگ و جامعه، شماره‌های ۲ و ۳: ۱۹۹۸) به‌نظر می‌رسد که معتقد و متمایل به بسط نظریه‌ای درباره‌ی اجتماع هستند که خود را از فلسفه‌ی مردسالارانه رها کرده باشد. لذا هر تلاشی برای منسوب کردن گفتمان‌های فمینیستی به کانت، هگل، نیچه یا کروچه منجر به تحریف خواهد شد.

برای پرهیز از چنین انحرافی این کتاب از رویکردی صرفاً انباشتی و تظاهر به توانا بودن در تعامل با هر چیز به‌صورت یک دایرة‌المعارف خودداری می‌کند. با تمرکز بر زوایای دیدی زیباشناختی می‌توان خاستگاه و اهداف نظریه‌های ادبی و معنای زیباشناسانه‌ی مفاهیم بنیادی آن‌ها را روشن کرد. هم‌چنین این کتاب به خوانندگان کمک می‌کند تا مسائل و مشکلات نظری خود را طبقه‌بندی کنند، البته در جهانی که مدهای رقیب و اصطلاحات گوناگون ما را به گنگی و سکوت سوق می‌دهند. با این حال، آن رویکردهایی که برای این کتاب بیگانه نامیده شدند را نباید باطل و مردود پنداشت، آن‌ها را باید در کتاب‌های دیگری قرار داد که بر زمینه‌های اجتماعی-تاریخی تمرکز دارند که در آن زیباشناسی، احکام ادبی و مفاهیم ادبیات به ظهور و غیاب می‌رسند.

1. Nancy fraser

2. Linda Nicholson

3. "Social Criticism without Philosophy: An Encounter between Feminism and Postmodernism"